



جمع‌بندی سوره مبارکه انعام:

دسته شانزدهم آیات ۱۵۱ تا ۱۵۷:

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نُرْزِقُكُمْ وَوَالِدُكُمْ وَلا تَقْرَبُوا الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلا مَنَظَرَ وَلا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۱)

بگو: بیاید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده برایتان بخوانم: که چیزی را با او شریک نکنید، و با پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان خویش را از [بیم] تنگدستی نکشید که ما شما و آنها را روزی می‌دهیم و به کارهای بسیار زشت، چه علنی و چه پوشیده نزدیک نشوید و هیچ انسانی را که خدا خودش را حرام کرده جز به حق نکشید. اینهاست که خداوند شما را بدان سفارش کرده است، باشد که ببندیشید.

وَلا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلو كانَ ذا قُرْبىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

و به مال یتیم جز به نیکوترین صورت نزدیک نشوید، تا او به مرحله رشد خود برسد. پیمان‌ه و وزن را به انصاف تمام دهید ما هیچ کس را مگر به اندازه توانایش مکلف نمی‌کنیم چون سخن گوید دادگر باشید گر چه علیه خویشاوند و به ضرر او باشد و به پیمان خدا وفا کنید، اینها است که خدا شما را بدان سفارش کرده، باشد که اندرز بگیرید

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳)

و همانا راه راست من همین است، پس از آن پیروی کنید و به راه‌های [متفرقه] نروید که موجب تفرقه و جدایی از راه او شود. این است آنچه خدا شما را به آن سفارش کرد، باشد که شما پرهیزکار شوید.

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّاهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۱۵۴)

سپس به موسی کتاب دادیم، برای اتمام نعمت بر کسی که نیکی کرد و برای این که [حکم] هر چیزی را بیان نماییم، و هدایت و رحمتی است، باشد که آنان به لقای پروردگارشان ایمان بیاورند.

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكًا فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۵۵)

و این مبارک کتابی است که ما آن را نازل کردیم پس پیرو آن باشید و تقوا پیشه کنید، امید که شما مشمول رحمت [خدا] گردید.

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَ إِن كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لِعَافِلِينَ (۱۵۶)

تا مبادا بگویید: کتاب آسمانی، فقط بر دو طایفه پیش از ما نازل شد و همانا ما از آموختن آنها غافل بودیم.

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ صَدَفَ عَنْهَا سَنَجِزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ (۱۵۷)

یا این که بگویید: اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می‌شد، قطعاً از آنها راه یافته‌تر بودیم پس اینک از خدایتان حجت و هدایت و رحمتی سوی شما آمده است. پس کیست ستمکارتر از آن کس که آیات خدا را تکذیب کند و از آن روی گرداند؟ به زودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سبب [همین] اعتراضشان به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد.

- در مجموعه آیات آخر موضوع «حُسن» بسیار مهم است زیرا مطلع مهمی برای سوره مبارکه کهف است که بعد از این سوره قرار

است مطالعه کنیم و ارتباط مهمی هم با موضوع «حمد» دارد.

- آیه ۱۵۴: کتابی که به حضرت موسی دادیم تمام بود و تفصیل داده شده بود. کسی می‌تواند از تمامیت کتاب و تفصیل آن بهره ببرد

که اهل انجام احسن باشد. (عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ)

- آیه ۱۶۰: «جاءَ بِالْحَسَنَةِ» بیان دیگری از احسن است. چون جاء به کار برده است یعنی «استقرار»، یعنی کسی که حسنه در او استقرار یافته است.

- در این آیات موضوع حُسْن و أَحْسَن و حَسَنَه در ارتباط با مؤلفه‌هایی که قبلاً در سوره انعام خواندیم آمده است. در مقابل موضوع تکذیب و استهزاء آیات و ماجرای کسب، دین، آیین، انبیاء و صراط مستقیم، احسن ذکر شده است.

※ جمع‌بندی سوره کهف و مدخل ورود به سوره مبارکه کهف:

- در سوره حمد تعریفی برای حمد ارائه شد و گفته شد حمد عبارت است از «مشاهده کمال به علاوه واکنش در قبال آن».

- به بیان دقیق‌تر اتفاقی که در حمد می‌افتد این است که:

هر موجودی که در عالم خلق شده است به واسطه خلقتش در او حُسن وجود دارد. انسان این حُسن را در مخلوق مشاهده می‌کند و این حُسن را در خود منعکس می‌کند و یا بروز می‌دهد.

- پس حقیقت حمد یعنی مشاهده حُسن و بروز آن.

- حمد دلیل عبادت و استعانت انسان است.

- به همین علت هدایت به صراط هم، شناخت مسیر حمد و سیر در آن است.

- ضلالت و غضب هم به معنای دوری از حمد است.

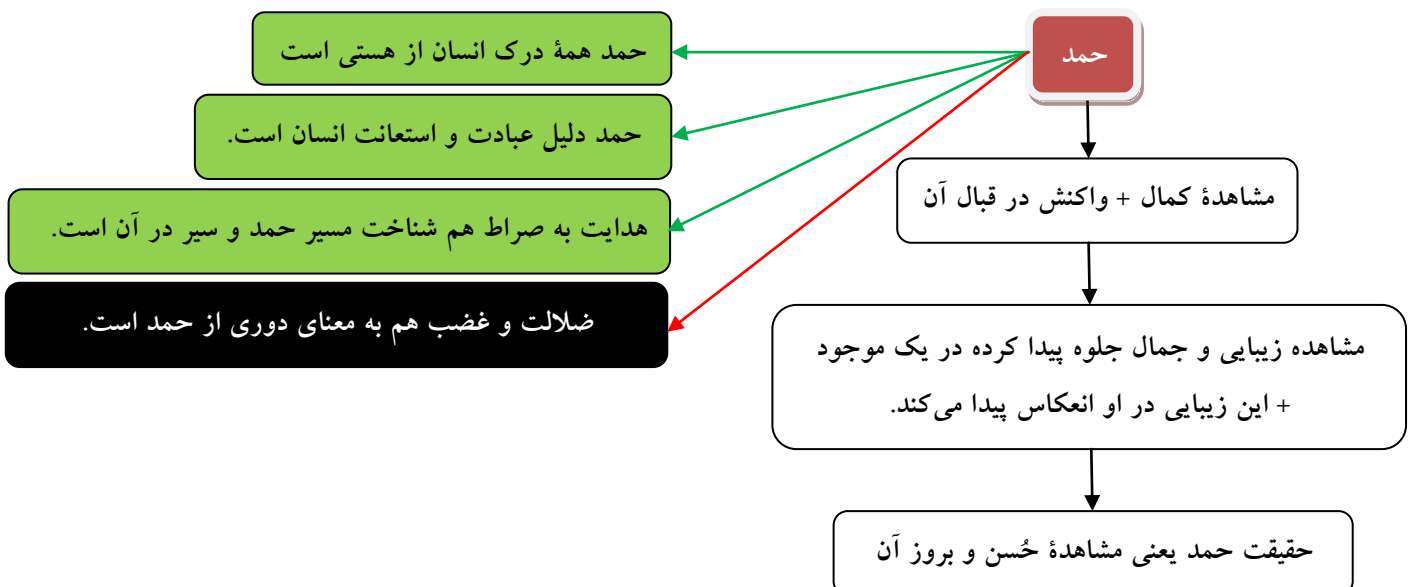
- همه مواردی که درباره حمد گفته شد در موضوع حُسن، انعکاس پیدا می‌کند یعنی همه درک انسان از هستی این است که حُسن را بشناسد و در خودش بروز دهد.

- به بیان دیگر حقیقت عبادت انسان هم چیزی جز مشاهده حُسن و بروزش نیست.

- به بیان دیگر هدایت به صراط مستقیم و شناخت مسیر هدایت به صراط مستقیم یا دین الهی عبارت است از مسیری که به واسطه آن حُسن را بشناسد و از خود بروز دهد.

- به همین علت همه فلسفه زندگی انسان «عمل احسن» است. (آیه ۷ سوره هود: لِيَتْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا)

- دین و کتاب و انبیاء نیز برای همین مسئله آمده‌اند. کتاب آمد تا شناخت حُسن و بروز آن را تمامیت و تفصیل دهد. یعنی انسان بتواند در هر موضوعی حُسن را بشناسد و تفصیل دهد.



همه فلسفه زندگی انسان «عمل احسن» است.

توجه

هرجا بحث حُسن و احسن شنیدید در واقع اینها تالیِ تلو و انعکاس حمد هستند.

توجه

یا رسول الله دست ما را هم بگیر

اللهم صل على محمد وآل محمد و الحمد لله رب العالمين